

«جوانان و توسعه»

دکتر نعمت اله متین

اشاره :

یکی از سخنرانان سومین همایش «نهادشناسی»، که در شهریور ماه سال ۱۳۷۹ در مجتمع فرهنگی - هنری امام خمینی (ره) نهاوند برگزار شد، آقای دکتر نعمت‌اله متین عضو محترم هیئت علمی پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش بودند. ضمن تشکر، سخنان ایشان را که با عنوان «جوانان و توسعه» مطرح گردید به اطلاع علاقه‌مندان می‌رسانیم.

«فرهنگان»

مقدمه :

بهبود شرایط زندگی جوان، حضور مؤثرتر او در جامعه، بهداشت روانی و جسمانی وی، برخورداری از تعلیم و تربیت مناسب، اشتغال و اوقات فراغت او، در این دوران حساس و پر مخاطره از مسائل مهم کشور است. جوانان شهرستان نهاوند نیز مانند هم‌سالان خود در دیگر شهرها و شهرستان‌های ایران با مشکلات و مخاطرات فراوانی روبه‌رو هستند.

اگرچه شهرستان نهاوند از نظر شاخص‌های توسعه‌ی نیروی انسانی یکی از عقب‌مانده‌ترین مناطق کشور است، اما پیشینه‌ی تاریخی و فرهنگی غنی و سرشار از افتخاری داشته است. قدمت تاریخی، میهمان‌نوازی، یاریگری، گذشت و ایثار، رونق صنایع دستی و کشاورزی، میراث‌های فرهنگی، مرکزیت حکومت و توان‌های محیطی این شهرستان نمونه‌های بارز این پیشینه است.

به عنوان نمونه، از دستان زرخیز زنان دیروز روستای آشوند - که امروزه به بیغوله‌ای تبدیل شده است - فرش‌های نگارینی تولید می‌شد که در بازارهای جهانی مشتریان فراوان داشت. نگاهی گذرا به تاریخ اقتصاد و تجارت این شهرستان با مناطق دیگر کشور حتی خارج از مرزهای ایران نشان می‌دهد که نهاوند جزء یکی از مراکز مهم تولیدات دامی و زراعی منطقه بوده است.

اداره‌ی چغندر قند، کبریت‌سازی، اداره‌ی دخانیات، اداره‌ی زردآلو، اداره‌ی پنبه و امور آب و بازارهای دیگر نشان‌دهنده‌ی سازمان و تشکیلات تولید و تجارت این شهرستان در گذشته است که متأسفانه امروزه جای‌همی این ادارات یا صنایع تبدیلی آن‌ها در این شهرستان خالی است. برای شناسایی علل توسعه نیافتگی و معطل ماندن نیروی انسانی نهاوند دو پرسش اساسی قابل طرح است:

- ۱- چه عواملی باعث شده است که این شهرستان از پیشرفت و ترقی بازماند؟
- ۲- چگونه باید این عقب‌ماندگی‌ها را جبران نمود؟

چنانچه با یک نگاه علمی و تحلیلی به موانع پیش پای توسعه‌ی این شهرستان بنگریم، باید پذیرفت که نمی‌توان دلایل پس‌ماندگی نهاوند را از علل عقب‌ماندگی کشور جداگانه ارزیابی کرد. آن‌چه دست‌کم در دوره‌ی پنجاه‌ساله‌ی اخیر در تاریخ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران اتفاق افتاده است بدون شک در فرآیند توسعه و توسعه نیافتگی این شهرستان تأثیر فراوان داشته است که می‌توان تحت عنوان عوامل خارجی توسعه از آن یاد کرد.

بخشی دیگر از دلایل عقب ماندگی یا عوامل داخلی توسعه نیافتگی را باید با غفلت و بی مهری بسیاری از کارگزاران گذشته و امروزین منطقه و شهرستان نهاوند نسبت به امر توسعه و نارسایی های موجود مرتبط دانست .

در خصوص عوامل خارجی یا کلان قضیه ، اقتصاد متکی بر نفت ، وابستگی های مختلف کشور به دولت های بیگانه ، نبود برنامه ریزی و مدیران کارآمد و عوامل دیگر موجب عقب ماندگی کشور گردید . در عین حال طی این دوره کمبود و یا نبود نهاندی های دارای نفوذ در میان دولت مردان و برنامه ریزان کشور (فتوودال ها ، نمایندگان مجلس سنا و شورای ملی سابق ، وزرا و وکلا و نظامیان برجسته) از یک سو و کمبود سطح دانش و فرهنگ مردم منطقه در آن عصر از سوی دیگر و هم چنین در عصر بعد از انقلاب کمبود مدیران و کارگزاران مدیر و دارای برنامه و عدم مشارکت مردم در سازندگی شهرستان و نبود سازمان های مدنی را می توان به عنوان عوامل داخلی مانع از توسعه شهرستان مذکور در نظر گرفت .

طبیعی است برای جبران عقب ماندگی های کشور در درجه ی نخست و شهرستان یاد شده در درجه ی بعد ، بلند همتی ، سخت کوشی ، اعتماد به نفس ، برنامه ریزی و سرمایه گذاری های انسانی و مادی ملت امری حیاتی است .

توسعه ی شهرستان نهاوند در گرو چیست ؟

توسعه ی فرایند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی مردم در طول زمان است . مهم ترین هدف توسعه ، ایجاد ظرفیت های گوناگون در انسان است تا از این رهگذر ، چنین انسانی در تعامل با سایر منابع ، مولد ثروت گردد . این یک باور ملّی و منطقه ای است که باید تبدیل به برنامه های عملیاتی شود . اکنون باید پرسید توسعه به طور عام (در ایران) و به طور خاص (در نهاوند) در گرو چیست ؟

از مصادیق مهم توسعه ، فرهنگ مناسب ، آموزش و نظام آموزشی در خور توسعه ،

سرمایه گذاری برنامه ریزی و مدیریت است. در این خصوص مشارکت مردم در توسعه و همکاری در پیاده نمودن برنامه ریزی های مبتنی بر عقلانیت از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زیرا هدف توسعه پرورش قابلیت ها، توانایی ها، ایجاد شغل، افزایش تولید و درآمد و بهبود کیفیت زندگی مردم است. محور اساسی توسعه ی انسان است. برای توسعه ی انسانی لازم است دو مفهوم را مد نظر قرار دارد:

(۱) تشکیل قابلیت های انسانی از طریق سرمایه گذاری به ویژه سرمایه گذاری در آموزش و پرورش،

(۲) شیوه و هنر به کارگیری توانایی های رشد یافته از طریق برنامه ریزی مناسب و مشارکت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه.

با مراجعه به تاریخ برنامه ریزی کشور در سه دهه ی قبل از انقلاب اسلامی مشاهده می شود که در هیچ کدام از برنامه ها و اسناد و مدارک، برنامه های توسعه ی نیروی انسانی و آموزش و پرورش محور توسعه و زیربنای توسعه به حساب نیامده است. زیرا اقتصاد متکی بر نفت انسان را رکن رکین توسعه قلم داد نمی کند و آموزش و پرورش نیز تنها به عنوان مهد سواد آموزی تلقی می شود نه جایگاه دانش اندوزی.

از سوی دیگر، طی دو دهه ی گذشته نیز کشور ما علاوه بر مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دوران قبل از انقلاب به دلایل مختلف از جمله جنگ تحمیلی، نوسانات قیمت نفت، رشد ناموزون جمعیت، مشکلات ساختار اقتصادی و بعضاً اجرا نشدن بعضی از برنامه های اقتصادی کشور دچار مشکلات عدیده ای از جمله بیکاری جوانان بوده است. به عنوان نمونه، در سال ۱۳۷۵ از کل جمعیت کشور ۲۴ درصد شاغل و ۷۶ درصد تحت تکفل این جمعیت شاغل بوده است که نهادند نیز از این بار تکفل در خانواده ها رنج برده است.

بی برنامه گی در طول یک دوره ی پنجاه ساله و رها نمودن انسان، به عنوان محور اساسی توسعه، از سویی موجب گردیده است که ۷۰ درصد گروه سنی ۱۱ الی ۲۹ سال

(جمعیت فعال کشور) به خیل بیکاران پیوندند و نرخ بیکاری در کشور به ۱۳/۵ درصد و در نهاوند به ۱۳ درصد برسد و از سوی دیگر ۷۵ درصد جمعیت دانش آموزی کشور در شاخه‌ی نظری و تنها ۲۷ درصد در رشته‌های فنی و حرفه‌ای به تحصیل مشغول شوند و حدود ۲۱ میلیون نفر از جمعیت کشور دارای سنی زیر ۱۹ ساله باشند و از نظر توسعه‌ی نیروی انسانی میان ۱۷۳ کشور جهان در مرتبه ۸۵ قرار گیریم که شهرستان یاد شده، نیز به سهم خود در زمینه‌های مختلف دارای شاخص‌های کم و بیش تأسف‌باری است.

از این رو عاقلانه نیست که عقب‌ماندگی‌های نهاوند را تنها با مسائل و مشکلات داخلی مرتبط دانست، زیرا برنامه‌ی کلان توسعه باعث عقب‌ماندگی کل کشور از جمله این شهرستان شده است. چنان‌که اشاره شد بخشی از عوامل عقب‌ماندگی شهرستان نهاوند نیز به کمبود توانایی‌های بعضی از سیاست‌گذاران، کارگزاران، مدیران و نبود هنر جلب مشارکت مردم در بهسازی شهرستان و منطقه‌ی خود مرتبط است. از این رو به نسبت سهمی که در عدم موفقیت برنامه‌ها داشته‌اند باید در برابر مردم پاسخ‌گو باشند.

برای مثال، اگر بیکاری به عنوان یک عامل اتلاف‌کننده توانایی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی تلقی می‌گردد باید ریشه‌یابی دقیق شود. یکی از شکایت‌هایی که از بیکاری جوانان می‌شود انعکاس خطاهای نظام آموزشی در این ارتباط است. از مهم‌ترین این خطاها به موارد زیر اشاره می‌شود:

رتال جامع علوم انسانی

- مدارس آموزش‌های مهارتی نداده‌اند.
- نظام آموزشی جوانان را برای بازار کار آماده نکرده است.

به رغم وجود مشکلات عدیده بر سر راه توسعه، در بعضی از شهرستان‌ها بخش چشم‌گیری از دانش‌آموزان را به رشته‌های فنی و حرفه‌ای هدایت کرده‌اند که این روند در نهاوند به درستی طی نشده است. در بخش گسترش آموزش عالی نیز کارگزاران و مسئولان این شهرستان در رده‌های مختلف توفیق لازم را نداشته‌اند و تنها به تأسیس و راه‌اندازی دانشگاه پیام نور بسنده شده است؛ حال آن‌که شهرستان‌های اطراف از جمله ملایر دانشگاه

و دانشکده‌های متعددی را تأسیس نموده است. هم‌چنین در بخش شهرسازی و زیباسازی شهر ایجاد مراکز تفریحی و پارک‌ها، گسترش کتابخانه‌ها، فراهم سازی امکانات گردشگری، گسترش صنایع کوچک از طریق سرمایه‌گذاری‌های مردمی و دولتی، حل مشکلات حمل و نقل شهری، سازمان‌دهی کلان‌تعاونی‌ها، تأسیس سردخانه و ... فعالیت‌های چشمگیری صورت نگرفته است.

شاید هنوز هم این موضوع که پرداختن به معضلات و مشکلات ناشی از غفلت برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و کارگزاران صحنه‌های سیاسی در زمینه‌های اقتصادی، بهداشتی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، محیط زیست نیاوند نیاز به مسئله‌یابی و بررسی‌های علمی و کار کارشناسانه دارد به درستی درک نشده و در دستور کار در سر مشق برنامه‌ها قرار نگرفته است. به همین دلیل است که نتایج حاصل از بی‌توجهی منجر به گسترش فقر، بیکاری، ناهنجاری، از هم‌گسیختگی، حاشیه‌نشینی و مشکلات عدیده‌ی دیگر در نیاوند شده و خواهد شد.

مسئله‌ی اساسی‌تر در شرایط کنونی نیاوند، قائل شدن اهمیت بیش‌تر برای جوانان و درک موقعیت آنان به عنوان یک ضرورت فردی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

● رسالت جامعه در برابر جوان چیست؟

علمای تعلیم و تربیت دوره‌ی جوانی را پربرترین دوره‌ی زندگی نامیده‌اند. زیرا در این دوران ۱- جوان از استحکام و نیرومندی برخوردار است. ۲- رشد هوشی او پایان یافته و به حد اعلای قدرت یادگیری خود رسیده است. ۳- بخش اعظم استعدادهای خاص وی به ظهور رسیده است. ۴- علائقش جنبه‌ی فردی پیدا کرده است. ۵- برای شرکت مؤثر در زندگی گروهی آمادگی دارد. ۶- به مرحله‌ی ادراک ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی رسیده است. ۷- برای جوان انتخاب شغل و گزینش همسر و اداره‌ی خانواده به طور جدی مطرح شده است. ۸- جوان از وابستگی‌های ریخته یافته احساس مسئولیت می‌کند

۹- عواطف دوره‌ی نوجوانی تبدیل به احساسات شدید جوانی شده است ۱۰- تماس اجتماعی جوان متنوع‌تر و سازگاری اجتماعی او آسان‌تر گردیده است. ۱۱- نیل به سازگاری جوان با محیط موجب تعدیل میل به ماجراجویی شده است. ۱۲- اراده در پرتو قوه‌ی تمیز توانا و مستحکم شده است.

آیا نهادهای مختلف شهرستان‌هاوند با توجه به ویژگی‌های جوانان، در حد رسالت و مسئولیت‌های خطیری که داشته‌اند وظایف خود را نسبت به بهره‌گیری از جوانان و ایجاد زمینه‌های رشد آن‌ها به درستی و با تمام ظرفیت فراهم نموده‌اند؟
با این که بستر سازی امور جوانان در مراحل مختلف نیاز به برنامه‌های ملی دارد، اما این سؤال مطرح است که بسترهای منطقه‌ای و شهرستان را چه کسانی باید فراهم کنند؟

در مطالعات معاصر، مسائل نوجوانان و جوانان را با توجه به دو جنبه‌ی مهم زندگی بررسی می‌کنند؛ یکی از بُعد تغییرات بدنی، رشد جسمانی، روانی و مسائل تبعی آن‌ها و دیگری از نظر مسائل ناشی از شرایط اجتماعی. جداسازی این دو مقوله غیر ممکن و به دور از منطق است. انتظارات مولود شرایط است. جوانان از هر قشری آسیب پذیرند. مشکلات عادی جوانان و نوجوانان را معلمان، مدیران، مشاوران، اولیاء و بعضاً خود جوانان حل می‌کنند. مشروط بر آن که این تفکر در فرایند حل مشکلات وجود داشته باشد. گاه باید مشکلی را جامعه‌شناس، روان‌شناس، معلم، پدر و مادر حل کنند. برخی از مشکلات، طبیعت دیگری دارند و امکان حل آن‌ها توسط افراد مذکور ممکن نیست. حل مشکلات این چنینی جوانان‌هاوند به تعمق و بازنگری در نظام آموزشی، ایجاد فرصت شغلی، تأسیس مراکز تفریحی فرهنگی، ایجاد فضای مناسب مشارکتی، سرمایه‌گذاری و سایر متغیرهای دیگر نیاز دارد و لازم است با مشارکت دولت مردان و مردم در قالب برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت مرتفع گردد.

● ضرورت توجه به جوانان‌هاوند به منظور جلب نقش ارزنده‌ی آنان در توسعه شهرستان
مشاهدات و مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد که ناهنجاری‌های ناشی از بحران

بیکاری موجب توسعه‌ی فساد، درهم ریختن نظام اخلاقی جامعه و خانواده، فرسایش فرهنگی و مسائل مشابه است. بزرگ‌ترین خدمت برای مقابله با این بحران، آموزش برای کار، تربیت افراد کار آفرین و دامن زدن به جریان خود اشتغالی است.

اعتبار بخشیدن به نظام کار و اشتغال مستلزم برنامه ریزی، کار فرهنگی و سرمایه گذاری‌های زیربنایی است. متأسفانه همه‌ی اهتمام نظام فرهنگی بر رونق بخشیدن به نظام علم آموزی، بدون توجه به توانایی بالقوه‌ی کشور و نیازهای آن است که جامعه‌ی نیاوند نیز از این روند جدا نیست. نظام آموزشی کشور بزرگ‌ترین سهم را برای تحول در نظام شغلی را بر عهده دارد، از این رو لازم است در بنیان‌های نظام آموزشی کشور تفکر عمیق نمود.

در جامعه‌ی ما روحیه‌ی اشرافیگری مانع مشارکت جوانان در توسعه‌ی ملی و منطقه‌ای است. روش آموزش مستمر بدون کار مفید باعث شده است که سطح توانمندی‌ها، خلاقیت و شکوفایی استعداد جوانان کاهش یابد.

نیل به جامعه‌ی توسعه یافته مستلزم برخورداری از جوانان واجد ویژگی‌های سازندگی است. سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران نیاوند باید باور داشته باشند که جوانان یکی از بزرگ‌ترین محرکه‌های توسعه‌ی جامعه‌ی این سرزمین اند. این باور فرهنگی را باید بپذیریم که برای توسعه نیازمند انسان‌های نو هستیم. انسان نو یا به عبارتی «جوان نو» که در این نوشتار در پی توجه به آن هستیم کیست؟ ویژگی‌های زیر را می‌توان برای چنین انسانی بر شمرد:

- آماده برای کسب تجربیات تازه و سنت‌گریز
- آزاداندیش در مقابل عقاید و آرای مختلف
- دارای توجه ویژه به حال و آینده‌ی خود
- توانا در تسلط بر محیط
- معتقد به برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی و مشارکت در برنامه‌های اجتماعی

● صاحب عقیده و نظر

● برخوردار از روحیه حقیقت جویی و تعقل و تفکر

● دارای روحیه نقادی و تتبع

● دارای روحیه احترام و التزام به قانون

● دارای روحیه نظم و انضباط فردی و گروهی .

جوانان امروز نهاوند باروحيه‌های ذکر شده در برابر چالش‌های فراوانی قرار دارند؛ چالش در عرصه‌ی الگو پذیری، در عرصه رسانه‌ها، سنت و مدرنیسم، عقل‌گرایی افراطی، بشر‌گرایی، سنت ستیزی، گذر نسل جدید از قدیم، آرمان‌ها و ارزش‌ها، ازدواج و خانواده، عرصه اشتغال، ارتباط با مسئولان در عرصه آموزش، اوقات فراغت و محیط زیست از جمله‌ی این تنش‌ها هستند .

بنابراین، جوان نو در برابر چالش‌ها نیاز به راهنمایی و هدایت دارد؛ این نکته مسلم است که سالم و صالح بار آمدن جوان نهاوندي یا فاسد و بیمار بار آمدن او به کیفیت تربیت و محیط اجتماعی او بستگی دارد و هم‌چنین به میزان سرمایه‌گذاری در امر تربیت وی ارتباط دارد، مگر در موارد استثنایی که ممکن است عوامل سرشتی موجب پیدایش اختلال رفتار او گردد .

باید از طریق، مطالعه و برنامه‌ریزی، مشکلات جدی جوانان را شناسایی، کاهش یا حل نمود. مشکلات نوجوانان و جوانان نهاوند در ابعاد مشکلات بدنی، شخصیتی، خانه و خانواده، مشکلات وضع و موقعیت اجتماعی، مشکلات دینی و اخلاقی، مشکلات مربوط به مدرسه و مطالعه، انتخاب شغل و هدایت تحصیلی و غیره ... است و هر نهاد، سازمان، فرد، اعم از زن و مرد باید در جهت حل یا کاهش آن‌ها به فراخور بضاعت خود تلاش نماید. اگر چه حل ریشه‌ای و قطعی مشکلات یاد شده با برنامه‌ریزی‌های منظم و سازمان یافته ممکن خواهد بود .

چنانچه مدیران و برنامه ریزان شهرستان به انتظار توسعه‌ی برنامه کلان‌کشور و در

نهایت توسعه‌ی نهادوند نشسته‌اند راه به جایی نخواهند برد. بی‌شک برای رسیدن به توسعه‌ی سریع‌تر شجاعت و شهامت مدیران، برنامه‌ریزان، دست‌اندرکاران و هم‌یاری و مشارکت مردم نیاز است. در زیر نمونه‌هایی دست‌یافتنی ذکر می‌شود:

۱) حل مشکل کلان‌بیکاری در سطح کشور به برنامه‌های بلندمدت نیاز دارد. اما مسئولان نهادوند باید از طریق برنامه‌های مطالعاتی رشد اقتصادی شهر را افزایش دهند، در جهت کاهش رشد جمعیت سازمان‌دهی ویژه‌ای به عمل آورند، در مورد جذب سرمایه‌های نهادوند در جهت تولید و هم‌چنین سرمایه‌های خارج از نهادوند به تعقل و تفکر و برنامه‌ریزی متوسل شوند، از خروج سرمایه‌های نهادوند در ابعاد مادی و انسانی با ایجاد تسهیلات و امنیت‌های لازم جلوگیری نمایند و ساختار اقتصادی ناکارآمد را با برنامه‌های منطبق با شرایط منطقه کارآمدتر کنند.

این امور ممکن است مشروط بر این‌که مدیران شهرستان با برنامه‌ریزی آشنا باشند و سیاست‌گذاران از برنامه‌های علمی مدیران دفاع کنند و از تمامی اقشار برای سازندگی دعوت نمایند. زیرا انسان قادر است به کمک خداوند به یاری اندیشه و خرد، برمسائل و مشکلات قائق آید. اما باید پذیرفت «توانا بود هرکه دانا بود».

۲) در عصر ما توسعه بیش از آن‌که یک مقوله‌ی اقتصادی و متکی به سرمایه‌های فیزیکی باشد یک مقوله‌ی انسانی و متکی به سرمایه‌ی انسانی است. جوانان که باید در توسعه نقش داشته باشند باید بینش علمی، اخلاقی، هنری و دینی داشته باشند، تا در برنامه‌ی توسعه مشارکت نمایند.

به عنوان نمونه، می‌توان به کم‌بود بینش علمی در میان جوانان اشاره نمود. جوانان با مطالعه و شناخت آن‌چه که در جهان می‌گذرد باید بدانند که در آینده چگونه عمل نمایند. در این میان نقش معلم‌ان بسیار کلیدی است و توفیق جوانان را تضمین خواهد کرد.

برای مثال عدم رغبت جوانان نهادوند به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مناسب جامعه‌ی فردا را باید در عدم حضور معلمان و هدایت‌گران تحصیلی و شغلی متخصص و کافی دانست.

لازم است جامعه‌ی جوان نهند راه به این نکته آگاهی داد که هفت صنعت کلیدی در دهه‌ی آینده عبارت‌اند از: میکرو الکترونیک، بیو تکنولوژی، صنایع تولید مواد جدید، هوانوردی غیر نظامی، مخابرات، روبات‌ها با ماشین افزار و رایانه‌ها و همه‌ی این‌ها متکی به توان ذهنی و مغزی نیروی انسانی است. جوانان باید به سوی ارتباط با چنین پدیده‌هایی هدایت شوند. بی‌شک یکی از هدف‌های فرهنگ یا به عبارت دیگر آموزش و پرورش تقویت روح علمی و ایجاد بینش علمی در نسل جوان است.

جوانان باید به گونه‌ای تربیت شوند که بتوانند در شناخت جهان و عمل در آن روش و بینش علمی را به کار برند. عملکرد ذهن جوانان نباید انبار داری و حفظ اطلاعات باشد؛ بلکه باید اطلاعات را به کار گیرد. ذهنی که به بینش علمی آشناسن خود به جست و جوی راه حل مسئله - که در برابر آن قرار دارد - بر می‌آید. بدیهی است معلمی که به انتقال مطالب به صورت تحمیلی و بدون توجه به انگیزه و زمینه‌ی ذهنی دانش‌آموزان یا جوانان می‌پردازد دانسته یا ندانسته مانع ایجاد رشد بینش علمی در آنان می‌گردد.

نتیجه‌گیری

توسعه‌ی شهرستان نهند بدون موفقیت در توسعه‌ی فکری و دانش و مهارت نیروی انسانی ممکن نیست. توسعه مستلزم برخورداری افراد از آموزش و پرورش با کیفیت است. زیرا معرفت انسانی در توسعه‌ی سیاسی و اقتصادی نقش مهمی ایفا می‌کند.

اگر بیکاری و مشکلات دیگر در میان جوانان وجود دارد، محصول ناکارآمدی برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشور بوده است. زیرا عملکرد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فرد معطوف به فعالیت‌ها و کارکردهای اجتماعی اوست. توسعه نیاز به انسان‌های کارآمد دارد و دانستن فن و حرفه سرمایه‌ی ارزنده مادی و معنوی است.

بر این اساس، ضرورت دارد گردانندگان و کارگزاران نهند برای نقش جوانان در

توسعه اهمیت بیش‌تری قائل شوند و شرایط شرکت آنان را در مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی شهرستان فراهم آورند. چنان‌که می‌دانیم برای ایفای نقش توسط جوانان در توسعه وجود زمینه‌ها و شرایط لازم است. از جمله‌ی این شرایط توجه به روحیات جوانان است. با توجه به این‌که توسعه دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، و فرهنگ از مجموعه باورها، عادات و روحیه‌ها و تمایلات جاری در یک جامعه تشکیل می‌شود، ضرورت دارد با درک چنین موقعیت‌هایی شرایط و بستر مناسب رشد و شرکت جوانان را در توسعه فراهم آورد.

گفتنی است اعتقاد به برابری و آزادی در توسعه نقش مهمی را ایفا می‌نماید؛ این باور موجب نظم‌گرایی و قانون‌پذیری می‌شود. ایجاد شرایط لازم برای مشارکت جوانان در مسائل اجتماعی و فرهنگی امری ضروری است. بنابراین ابتدا باید به جوانان آزادی و اختیار داد. آن‌گاه آن‌ها را به اجرای نظم و قوانین دعوت نمود. هم‌چنین ضرورت دارد برای نقش جوانان در بستر سازی ارزش قائل شد و ویژگی‌های نوجوانی و جوانی را تشخیص داد؛ زمینه‌های مطالعه، تمرین، تجربه، رشد جسمی و فکری آنان را مهیا ساخت و آن‌ها را به مطالعه‌ی جهان پیرامون خود و سایر کشورها دعوت نمود؛ باید با انسان‌ها به گفت‌وگو نشست و از نقد و نظر آن‌ها برای برنامه‌ریزی‌های توسعه استفاده نمود.

پیشنهادها:

● کلبه‌ی مراکز فرهنگی نهایند اعم از دانشگاه، آموزش و پرورش، اداره‌ی فرهنگ و ارشاد اسلامی، شوراهای جوانان، مؤسسه‌ی فرهنگی علیمرادپان و سایر نهادهای خودجوش فرهنگی با هم‌کاری و مشارکت یک‌دیگر و با برنامه‌ریزی علمی و منسجم روحیه‌ی فردگرایی نسل جوان نهایند را به روحیه‌ی جمع‌گرایی و هم‌بستگی با اجتماع تبدیل کنند. این اقدام از طریق مشارکت‌های ذهنی و مادی امکان‌پذیر است؛ لازمه‌ی این

- حرکت هم بستگی و تعامل میان کلیه عناصر و نهادهای ذکر شده است .
- کمیته‌ای از افراد محقق و صاحب نظر به منظور شناسایی مشکلات جوانان و تعیین اولویت‌ها تشکیل گردد تا پس از مطالعه و بررسی و ارائه راه‌حل‌های عملی برای حل مشکلات اقدام نمایند .
 - مطالعاتی در زمینه‌ی چگونگی حل مشکلات جوانان منطقه صورت گیرد. این رسالت را مسئولان استان عهده‌دار گردند .
 - نیروهای متخصص برای راهنمایی و کاهش یا حل مشکلات جوانان نهانند به کار گمارده شوند. بی‌شک آموزش به خانواده و آموزش به جوانان در جهت حل مشکلات آن‌ها بی‌نتیجه نخواهد بود .
 - امروزه نیاز سنجی جوانان به عنوان یک اصل اساسی در اکثر کشورها رایج است . چنانچه نیازها و آرمان‌های جوانان نهانند به روش علمی سنجش شود در برنامه ریزی‌های شهرستان می‌توان به بخشی از نیازها پاسخ گفت .
 - لازم است جلسات هفتگی یا ماهانه‌ای با حضور مسئولان و جوانان تشکیل شود و مسائل آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گیرد .
 - نهانند با داشتن معلمان دلسوز و فداکار می‌تواند کانون فرهنگیان را متشکل از پیش‌کسوتان تعلیم و تربیت (بازنشستگان) و معلمان علاقه‌مند تأسیس نماید ؛ یکی از رسالت‌های این کانون می‌تواند حل مشکلات جوانان این شهرستان باشد .
 - از ضروری‌ترین بررسی‌ها روش جذب جوانان و مشارکت آن‌ها در حل مسائل اجتماعی است ، از این طریق حس مشارکت و مسئولیت‌پذیری جوانان تقویت می‌شود .
 - دست‌اندرکاران آموزش و پرورش راه‌های ایجاد انگیزش دانش‌آموزان وادر پیوستن به رشته‌های فنی و حرفه‌ای بررسی نمایند .
 - از ظرفیت‌ها و امکانات موجود در غنی‌سازی فرهنگ و بهره‌گیری از اوقات فراغت جوانان استفاده‌های لازم به عمل آید ؛ به عنوان نمونه ، از مجموعه‌ی ورزشی علیمرادیان ،

کتابخانه‌های موجود، امکانات اداره‌ی فرهنگ و ارشاد اسلامی، طبیعت‌گردی، روستاگردی، جاذبه‌های گردش‌گری و غیره بهره‌ی لازم برده شود.

● توسعه‌ی فرهنگی نهاوند با توسعه‌ی فرهنگ روستاهای اطراف‌گره خورده است. توزیع امکانات فرهنگی در مناطق شهر و روستا به‌ویژه در مناطق محروم و حاشیه‌نشین و پرجمعیت به برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و جلب مشارکت مردم نیاز دارد.

● راه و روش‌های توسعه‌ی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی شهرستان‌های موفق اطراف نهاوند شناسایی و در صورت امکان مورد استفاده قرار گیرند.

● طی یک بررسی و مطالعه‌ی میدانی دلایل تردد و رفت و آمد روستاییان به شهر شناسایی شود و با انتقال بخشی از امکانات به مراکز بخش‌ها و روستاها زمینه‌های بهسازی شهر و روستا و اشتغال جوانان فراهم آید.

● فرهنگ‌کار در خانواده‌ها گسترش یابد و بخشی از اوقات فراغت جوانان برای تحقق آن هزینه شود.

● برای زیبا سازی شهر و گسترش فرهنگ هم‌یاری و مشارکت و تقویت حس مسئولیت‌پذیری در میان مردم و نوجوانان و جوانان، آموزش و پرورش از قابلیت‌ها و موقعیت‌های مناسبی برخوردار است، از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های دانش‌آموزان در این زمینه می‌توان استفاده نمود.

● یکی از وظایف مهم شورای اسلامی شهرستان تفکر، چاره‌اندیشی و ارائه‌ی طریق برای حل مشکلات جوانان است. چنانچه این جریان به برنامه‌های مستمر و حتمی تبدیل شود، مردم به مشارکت تن در خواهند داد؛ شرط اساسی و توفیق در برنامه‌ها استفاده‌ی درست از امکانات تمامی نهادها خواهد بود.

● پیشنهاد‌های ارائه شده و سایر پیشنهادها که از منابع مختلف به دست می‌آیند نیاز به بررسی، انتخاب راه، برنامه‌ریزی و اجرا و نظارت دارند؛ تجربه‌ی کشورهای موفق به ما

آموخته است از حرکت‌های کوچک می‌توان به حرکت‌های بزرگ رسید و گاهی «کوشش بیهوده به از خفتن است».

منابعی که نویسنده‌ی مقاله از آن‌ها الهام گرفته است :

- ۱) سیف ، علی اکبر ، روان‌شناسی یادگیری و تدریس «روان‌شناسی تربیتی» انتشارات دانشگاه ابوریحان ، چاپ دوم اسفند ۱۳۵۸
- ۲) شکوهی ، غلامحسین ، «تعلیم و تربیت و مراحل آن» انتشارات آستان قدس رضوی ، مشهد چاپ یازدهم ۱۳۷۴
- ۳) «پژوهش‌نامه‌ی اقتصادی» پژوهشکده‌ی امور اقتصادی «صادرات غیر نفتی و ۵۰ سال برنامه ریزی» ، نعمت‌اله متین ، شماره‌ی ۲ ، ۱۳۸۰
- ۴) فصل‌نامه فرهنگی اجتماعی ، اقتصادی «فرهنگان» مؤسسه‌ی فرهنگی علیمرادیان ، سال اول شماره سوم بهار ۱۳۷۹
- ۵) نفیسی ، عبدالحسین ، «بررسی نارسایی‌های در ارتباط نظام‌های آموزشی و پرورشی و بازارکار» سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش ، فروردین ۱۳۷۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی